

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۱

صفحات: ۹-۱۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۷/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

نقش پیکرک های زنان در دنیای باستان (با تکیه بر مکشوفات باستان شناسی)

سید رسول موسوی حاجی[°]

سامان فرزین^{°°}

مریم زور^{°°°}

چکیده

پیش از ابداع خط، بشر با ساختن پیکرک‌هایی از گل، سنگ و غیره، اندیشه‌های خود را نمودار می‌ساخت. اقوام پراکنده فلات ایران از هزاره‌های قبل از میلاد همواره پایبند تقلید صرف از طبیعت نبودند بلکه اغلب میل داشتند حاصل خاطره خیال خود را با نوک تیشه یا سر انگشت‌های هنرمندانه خود از سفال و سنگ برآورند و هر یک از پیکرک‌ها را مطابق آرزوها و اندیشه‌ها و باورهای آئینی خود جلوه‌گر سازند. پیکرواره‌های کوچک حیوانات و انسان احتمالاً جنبه پیشکشی و نذری داشته است. پیکره‌های زنان نماد زایش (الهه مادر) و جنبه‌های مذهبی و آیینی داشته‌اند. تحلیل‌های روانشناسانه از این آثار هنری نشان دهنده این است که هنرمند فقط به دلیل ایجاد یک شیء هنری این آثار را خلق نمی‌کند، بلکه در پشت سر این هنر یک اندیشه است. از اولین آثار هنری که بشر ساخته همان پیکرک‌های انسانی بوده است که بیشتر به شکل زن بودند. زن برای مردمان آن دوران، انسانی پیچیده بوده و این پیچیدگی در پیکرک‌های ساخته شده نیز دیده می‌شود. از نظر هنرشناسان و باستان‌شناسان، در جهان بینی انسان‌شناسی باستانی، زن نماد اسطوره بوده است. خدا بانوها اولین نمونه نمایش خصایص زن بوده‌اند. خدا بانوها نه تنها مادر انسان‌ها بلکه مادر تمام موجودات زنده‌اند، جانورانی که با هر پیکرک کشیده شده‌اند نشان دهنده این امر هستند.

کلید واژگان: پیکرک، زن، الهه، آیین، باستان

* دانشگاه مازندران، دانشیار و عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی، مازندران، بابلسر، ایران.
** دانشگاه مازندران، دانشجوی دکتری تخصصی باستان‌شناسی، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول، saman_farzin2006@yahoo.com)
*** دانشگاه تربیت مدرس، دانشجوی دکتری تخصصی باستان‌شناسی، تهران، ایران.

مقدمه

در دنیای اسطوره ایران باستان، زن موجودی مقدس است و در آن اکثر خدایان مونث ترسیم شده اند، مونث بودن خدایان به دلیل پاکی و کاربری و زایش و غیره بوده است. زیرا که همه این صفات را در وجود زنان می دانند. زنان که کاشف و مبدع نظام کشاورزی بودند، اندک اندک توانستند حیوانات را رام کنند و از آنها علاوه بر استفاده های غذایی به عنوان نیروی کار بهره برداری کنند و این امر تحولی عظیم در زندگی بشر به وجود آورد و در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است. در آن هنگام که قرن های متوالی مردان دائماً به طرق کهن خود به شکار اشتغال داشتند زن در اطراف خیمه زراعت را ترقی می داد و هزاران هنر خانگی ایجاد می کرده است (دورانت، ترجمه آرام، ۱۳۵۴: ۵۱). زنان نگهدارندگان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بوده و چوب دستی به دست گرفته در کوه ها به جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه های وحشی می پرداختند، در نتیجه عدم تعادل بین زن و مرد ایجاد شد و شاید همین امر اساس تشکیل بعضی جوامع اولیه بود که زن در آنها بر مرد تفوق یافته است. در چنین جوامعی زن کارهای قبیله را اداره می کند و به مقام روحانیت می رسد و در عین حال زنجیره اتصال خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می گیرد (گیرشمن^۱، ترجمه معین، ۱۳۴۹: ۱۰). با گذشت زمان مادر خانواده دارای نقش عمده ای می شود و چون خدمت به اعضای خانواده و تربیت خانواده و تربیت کودکان را بر عهده داشت گوئی نظم خانواده و موجودیت آن بر ابتکار و قدرت مادر اسقرار می یابد و پدر در منزله ای نازل تر، قرار می گیرد (دورانت، ترجمه آرام، ۱۳۵۴: ۵۱) و بدین گونه با برتری هایی که زن در مسائل اقتصادی، خانوادگی، پرورشی، اجتماعی و سیاسی می یابد دوره ای در زندگی بشر آغاز می شود که به نام عصر زن سالاری (مادر شاهی) مشهور است (چایلد^۲، ترجمه بهمنش، ۱۳۴۶: ۵۹).

سوالات پژوهش

هدف از ساختن پیکرک به شکل مونث چه بوده است؟
از چه دوره ای سنت ساخت پیکرک زن آغاز شد؟
نقش پیکرک ها در ساختار مذهبی جوامع در تاریخ چه بوده است؟
آیا ساختن چنین پیکرک هایی نشان از قدرت بالای زنان در روزگار باستان داشته است؟

فرضیات پژوهش

احتمال می رود پیکرک ها نشان از تقدس و سمبل باروری و زایش و آبادانی بوده اند.
از دوران پیش از تاریخ و بطور خاص از دوره نوسنگی شواهدی از کشف پیکرک وجود دارد.

۱. Durant
۲. Ghirshman
۳. Chaidl

پیکرک‌ها تقدیم به معابد می‌شدند و جنبه آیینی و سمبلیک دارند. بدون شک نفوذ زنان در سیستم اقتصادی و سیاسی باعث خلق چنین آثار هنری شده و نشان از قدرت بالای زنان در سطوح حکومتی، اقتصادی و سلطنتی بوده است.

پیکرک‌های مؤنث

هنر پیکره سازی که در فرهنگ‌های عصر نوسنگی دنیای باستان عمومیت داشته است، در آسیای صغیر نخست در محوطه باستانی چای اونو^۱ (هزاره هشتم)، محوطه حاجیلر^۲ (نوسنگی جدید)، در ایران در محوطه‌های حاجی فیروز^۳ (۵۵۰۰ ق.م)، تپه سراب به همراه پیکرک ونوس معروف آن، و در بین النهرین از محوطه‌های حسونا^۴ و حلف^۵ پیکرک‌های مؤنث و الهگانی بدست آمده است (ملارت^۶، ۱۹۷۵: ۱۰۱). تظاهر همزمانی پیکرک‌های الهگان در جوامع نوسنگی مختلف، فرهنگ و نژاد متفاوتی داشته اند و با امکانات محدود زندگی که ارتباط، تأثیر پذیری و تبادل فرهنگی بین آنان غیر ممکن بوده است (مگر در استقرارهای همجوار) نشان می‌دهد آنان در یک مورد از باورهای مذهبی مشترک بوده اند و آن ارج نهادن به جایگاه زنان بوده است (فیروزمندی، ۱۳۸۲: ۸۱).

پیکرک زن در محوطه‌های پیش از تاریخ ایران

برای آگاهی از نقش و جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ به ویژه در ایران، نه دست نبشته ای باقی است و نه نقش برجسته ای که بتواند به خوبی مقام زن در گذشته را بیان دارد. اما پیکرک‌های فراوانی به دست آمده است که می‌توان از آنها استفاده نمود. متأسفانه از دوران پارینه سنگی در ایران هیچ پیکرکی بدست نیامده است (فرشی، ۱۳۸۴: ۴۱). اما از دوران نوسنگی به وفور پیکرک‌ها، به ویژه پیکرک‌های مؤنث و به صورت محدود پیکرک مردان وجود دارد و از نقاط مهمی که در ایران پیکرک بدست آمده می‌توان به این محوطه‌ها اشاره نمود: تپه سراب با ۶۵۰ پیکرک که تنها ۱۸ پیکرک آن مرد است (برومن^۷، ۱۹۹۰: ۳)، تپه چغا سفید که پیکرک‌های آن به صورت ساقه‌ای و T شکل است که از این محوطه اشکالی از سینه و کفل زنان نیز بدست آمده است (هول^۸، ۱۹۷۷: ۲۲۹)، تپه چغامیش با پیکرک‌هایی به صورت T شکل و مکعبی (دلووگاز^۹، ۱۹۶۶: ۲۳۶)، تپه چخماق که از این محوطه یک پیکره زن و چندین پیکره T شکل یافت شده است که محققین عقیده دارند، از آنجا که پیکرک‌های T شکل این تپه با پیکرک‌های T شکل مؤنث تپه ملیان قرابت دارد به احتمال زیاد آنها مؤنث هستند (ماسودا^۹، ۱۹۷۲: ۲۴)، تپه زاغه با ۵۰ عدد

۱. Chayono

۲. Hajilar

۳. Hsuna

۴. Halaf

۵. Mellart

۶. Broman

۷. Hole

۸. Delougaz

۹. Masuda

پیکره که ۴۷ پیکره آن مؤنث و ۳ پیکرک آن نامشخص است (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). از دیگر تپه‌ها می‌توان به محوطه شهر سوخته در جنوب شرقی ایران، یان تپه (مجیدزاده، ۱۳۷۸: ۴۶)، تپه چغاسفید (هول، ۱۹۷۷)، تل باکون (لانگسدورف^۱، ۱۹۳۲: ۱۱۲) تپه چغامیش و شوش نام برد (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). گرچه تعداد محوطه‌های دارای پیکرک بسیار است اما در این پژوهش سعی گردید به برجسته ترین محوطه‌ها اشاره گردد. حال همان طور که بیان شد از محوطه‌های پیش از تاریخی ایران همچون بین النهرین، آسیای صغیر و دیگر مناطق جهان پیکرک‌های مؤنث فراوانی یافت شده است اما دلیل عمده آن چیست؟ در این جا می‌توان اظهار نمود، انسان این عهد که علل بروز پدیده‌های طبیعی را نمی‌دانست تلاش می‌کرد تا به مدد باورها و آداب آئینی از مواهب زندگی برخوردار شود و از مضرات آن دوری جوید، به همین منوال دست به کار آفرینش تصاویر و اشیای آئینی می‌زد که به زعم خود با نیروهای کنترل کننده عالم هستی در ارتباط بود (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). الیاده^۲ معتقد است که یکی از این اشیای پیکرک است که با پدیده‌های مختلفی چون تولید مثل، باروری، تولد، شیردهی، رشد، مرگ، فراوانی، حاصلخیزی و غیره در ارتباط است (الیاده، ۱۹۸۶: ۵۴). پس می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل آنکه بیشتر این خصایص در زن مشهود است انسان دوران نوسنگی، جنس مؤنث را ارج گذاشته و در غالب الهه آن را می‌پرستیده است.

دوران تاریخی (ایران)

در دوران تاریخی خوشبختانه به دلیل کثرت نقوش برجسته‌ها، گل نوشته‌ها و غیره، اطلاعات تقریباً کاملی از اهمیت و جایگاه و حتی عملکرد زن در دوران تاریخی وجود دارد، اما از آنجا که دوران تاریخی در ایران دوره ای چند هزار ساله است و پرداختن به هر دوره همچون کتابی جای سخن دارد در این قسمت نقش و عملکرد زنان را در جامعه دوران تاریخی را بیان کرده و با نمونه ای از هر یک از دوران‌های تاریخی به آن می‌پردازیم.

زن در مذهب

زنان در گذشته جایگاه والایی در مذهب دارا بودند و این امر از دوران پیش از تاریخ مشهود است. در دوران تاریخی نیز وضع بدین منوال بود به گونه ای که در دوره تاریخی ایلام به معاهده‌ای بر می‌خوریم که متعلق به پادشاه ایلامی در حدود (۲۲۴۰ - ۲۲۷۰ ق.م) است. این معاهده بین (نارامسین)^۳ پادشاه بین النهرین و (هیتا^۴) پادشاه ایلامی بسته شده بود که در این معاهده به اولین خدایی که قسم می‌خورند الهه مؤنث (پی نیکیر^۵) است (صراف، ۱۳۸۴: ۷) این معاهده با این ذکر آغاز می‌گردد: « بشنو ای الهه (پی نیکیر) و شما خدایان خوب آسمان‌ها» (هیتتس^۶، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۸۸) (تصویر شماره ۱).

۱. Langsdorff

۲. Eliade

۳. Naramsin

۴. Hita

۵. Pinikier

۶. Hinz

زن در سازمان روحانیت

با توجه به شواهد موجود، به چگونگی حضور زنان در نظام روحانیت آن زمان پی برد و مشخص شود آنان در چه جایگاهی قرار داشته اند. همان طور که میدانیم در همه دوره‌ها یک حوزه وابسته به معبد وجود داشته است (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۵۵) و از آنجا که ایلامی‌ها قومی بودند که خدایان متعددی داشتند تشکیلات وسیعی متشکل از کاهنان و راهبه‌ها در جهت اجرای روند امور مذهب و آشنایی مردم ایلام به مذهبشان وجود داشته و در رأس این حوزه، کاهن اعظم قرار داشته است که در نوشته‌های ایلامی عنوان او را (پاشی - شورابو)^۱ می‌خواندند. وی کلیه امور مذهبی را در سراسر کشور ایلام زیر نظر داشت. اما در این میان علاوه بر کاهن اعظم و کاهنان دیگر تعدادی راهبه در تشکیلات مذهبی ایلام مشغول به خدمت بودند (صراف، ۱۳۸۴: ۴). این راهبه‌ها مثل همکاران مردشان به اداره امور می‌پرداختند (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۷۳) و به آنها (مرتات بیتی)^۲ می‌گفتند، و در امور اقتصادی و مذهبی دارای نقش عمده ای بوده اند. به لحاظ فعالیت مذهبی آنان نیز می‌توان به کتیبه ای اشاره داشت که در محوطه (هفت تپه) کشف شده و مربوط به پادشاهی (تپتی آهار)^۳ (۱۳۵۰ ق.م) است. وی راجع به وظایف راهبه‌ها چنین می‌گوید: «وقتی شب در آید چهار راهبه باید وارد معبد شوند، برای آنکه هیچ چیز گران بهایی را از مجسمه‌ها پنهان نکنند روپوش ایشان باید با تسمه محکم بسته شده باشد. ایشان باید زیر پای مجسمه (لاماسو = گاو بالدار) دراز بکشند. فرماندار، رئیس محافظان، کاهن اعظم، نگهبان معبد و کاهن معبد باید (درهای معبد) را به روی آنها مهر کنند (راهبه‌های نگهبان) باید چراغ‌ها را روشن و وقتی صبح در می‌رسید از لاماسو در خواست حمایت از شاه بکنند. مهرها را بشکنند و به راه خود بروند». (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۷۵). راهبه‌ها علاوه بر حفاظت شبانه از معابد ایلامی، خود نیز در اجرای مراسم مذهبی مستقیماً شرکت می‌کردند به طوری که آنها نیایشگران را که قصد انجام امور مذهبی داشتند را به معبد و به پیشگاه خدایان ایلامی هدایت می‌کردند. علاوه بر این راهبه‌های ایلامی به دریافت نذورات نیز می‌پرداختند (صراف، ۱۳۸۴: ۴).

زنان و جشن‌ها

در این مورد می‌توان به دوران تاریخ ایلام و هخامنشی اشاره کرد، به گونه‌ای که در ایلام به نظر می‌رسد که مهمترین آنها فستیوال یا جشن «الهه نگهبان پایتخت» بوده است. واضح است که زمان‌های قدیم در شوش آکروپولیس وجود داشت که دارای حریم مقدس مشتمل بر معابد خدایان مختلف بود، که معبد (اینشوشیناک)^۴ معبد برجسته آن بوده است و «الهه نگهبان پایتخت» احتمالاً (بی نیکیر) اطلاق می‌شده است و شاید بعدها برای الهه (کیریریشا)^۵ برگزار می‌شد (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۶۸). این فستیوال در ماه نو در آغاز پاییز برپا می‌شده و گوسفندان را در باغ مقدس الهه، در مراسمی به نام (گوشوم)^۶

۱. Pashishurabu

۲. Mortat-Biti

۳. Tepti-Ahar

۴. Inshooshinak

۵. Keririsha

۶. Goushum

ذبح می کردند (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۵۵). اما در دوران هخامنشی نیز با توجه به منابع یونانی به مشارکت زنان در جشن‌ها نه فقط زنان سلطنتی و همسران موقت شاه، بلکه زنان اشراف و بزرگان و سرداران سپاه در این جشن‌ها حضور داشتند که نشان می‌دهد که زنان از اهمیت بالایی برخوردار بودند که در جشن‌ها به ویژه جشن تولد شاه حضور پررنگی داشته‌اند (بروسیوس^۱، ترجمه طلوعی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

زنان و سلطنت

در ذهن بسیاری از افراد این تصور وجود دارد که زنان در طول تاریخ نه تنها به سلطنت نرسیدند بلکه همیشه در حاشیه امور حکومتی قرار داشته‌اند، اما با مدارک موجود می‌توان نه تنها این نگاه را عوض کرد بلکه آن را به اثبات رساند. به طور مثال پادشاه ایلامی، (شیروکیدو^۲) اول صاحب فرزندی ذکور نبود چرا که وی پس از جلوس بر تخت شاهی تا مدتی بدون وجود شاهزاده شوش حکومت کرد. اما پس از مدتی به طرز بی سابقه‌ای مادر خویش را به این مقام برگزید و این برای نخستین بار در تاریخ ایلام بود که زنی به مقام رسمی حکومت رسید. (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۱۵) و یا در متنی دیگر می‌خوانیم شاه (اشنونا^۳) که در آن زمان یک متحد قدیم ایلام بود به ملکه (ناورا^۴) در کوه‌های گوتیوم کردستان ایران پیوست و این ملکه ده هزار مرد در اختیار متحدانش قرار داد. به هر حال زنان در سیاست و حکومت دارای نقش عمده‌ای بوده‌اند و این امر فقط مختص ایلام باستان نبوده است (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۱۱۲). به طور مثال در دوره ساسانیان دو تن از دختران خسرو پرویز، به نام‌های پورآندخت و آرمیدخت نیز به مقام سلطنت رسیدند (بروسیوس، ترجمه طلوعی، ۱۳۸۹: ۱۷). پس زنان نه تنها در حاشیه حکومت نبوده بلکه در رأس حکومت و دارای قدرت و نفوذ ویژه ای در سازمان سیاسی بوده‌اند.

زنان و قدرت اقتصادی

زنان نیز همچون مردان دارای مالکیت خصوصی بوده و حتی به معامله و اداره آنها می‌پرداختند. یکی از نمونه‌های کاملاً مشهود را در دوران هخامنشی مشاهده می‌کنیم. در الواح هخامنشی آمده است (ارتیستونه^۵) دختر کوروش بزرگ دارای املاک فراوانی بوده و دائماً برای سرکشی به املاک و دیدن شاه بین شوش و تخت جمشید در سفر بوده است و یا ملکه (رته بامه^۶) که املاک و کاخ‌های فراوانی در ایلام داشته و دارای حساب رس‌های فراوانی بوده است و حتی طبق اسناد، خود شخصاً به حساب‌ها رسیدگی می‌نمود که این موضوع نشان دهنده قدرت اقتصادی، مالیاتی و حتی حساب‌رسی زنان در دوران باستان بوده است (کوخ^۷، ترجمه رجبی، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

۱. Brosius

۲. Shirukido

۳. Eshnouna

۴. Navera

۵. Artistune

۶. Reteh-Bameh

۷. kozh

زنان و اجتماع

زن از آغاز خلقت موجودی اجتماعی بوده چرا که برای حفظ و امنیت خود و خانواده و سازماندهی به اوضاع موجود نیاز به روابط مسالمت آمیز و اجتماعی با محیط خود داشته است و در اجتماع محیط خود پا به پای مردان به فعالیت می پرداخته است که این امر در مهرهای ایلامی و الواح هخامنشی به خوبی آشکار است. در این میان آثار مهرهای ایلامی هزاره سوم ق.م اطلاعات مفیدی از شیوه های گوناگون زیست، مردم شوش و فعالیت های آنها به دست می دهد. مردها با کج بیل های سه شاخ در مزارع به کار مشغول اند و زنان با دامن های بلند از درختان میوه می چینند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶۶) و همچنین در کارگاه های سفال سازی، که ظروف سنگی در حال تولید است و در حالی که یک نفر دسته کوزه ها را صیقل می دهد، صنعتگران دیگر بشقاب ها را با سایش بر هم صافتر می کنند، زنان را هم در کارگاه ها می توان یافت که بر نشیمن گاه های چوبین کوتاه یا بر سطح زمین نشسته اند و اغلب مشغول تهیه پشم و پارچه اند. زنان در زراعت نیز یاری می رسانند. همچنین آنان را پوشیده در ردای بلند در حال کار در نخلستان ها نیز مشاهده مینماییم. (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۳۰). ریسندگی یکی دیگر از مشاغل مهم زنان بوده و به آن می پرداختند. در مهرها و نقوش برجسته به وضوح قابل مشاهده است. بهترین نمونه این نوع فعالیت زنان را می توان در نقش برجسته ای از سنگ سیاه که قدمت آن به دوره ایلام نو میرسد مشاهده نمود (طاهری، ۱۳۷۳: ۱۵۹). این اثر مذکور از شوش بدست آمده و اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می شود. این اثر به ابعاد ۱*۱۳ سانتی متر است (پرادا، ترجمه مجیدزاده، ۱۳۵۷: ۸۴) (تصویر شماره ۲) و یا در دوران هخامنشی با توجه با الواح بدست آمده مشاهده می شود که زنان در تخت جمشید به فعالیت های مختلفی چون بافندگی، خیاطی و غیره می پرداختند و حتی در بعضی از حرفه ها تعداد مردان کمتر از زنان است و زنان رئیس قسمت مذکور بوده و حقوق های بالایی دریافت می کردند (کخ، ترجمه رجبی، ۱۳۸۵: ۲۳۶)

بحث و نتیجه گیری

پیکرک ها و اندام های جنسی مؤنث جز نخستین تراوشات ذهنی بشرند. ساخت این پیکرک ها بی تردید از اهمیت موجود مؤنث در جامعه سرچشمه گرفته است. این اهمیت موجب می شود که تصویر زن از ناخود آگاه ضمیر انسان خارج شده، در خود آگاه او بروز کند و به تصویر در آید. این تصویر در دوره نوسنگی به صورت پیکرک های مؤنث در آمد این پیکرک ها به عنوان الهه ها پرستش می شدند که اهمیت زن و ارزش والای آن از دوران نوسنگی را نشان میدهد این روند پرستش عنصر زن و ارج نهادن به آن فقط متعلق به دوران پیش از تاریخ نبود بلکه در دوران تاریخی پیش از پیش مشهود است و خوشبختانه با توجه به آثاری که از دوران تاریخی بدست آمده است از چگونگی حضور زنان در اجتماع آن روزگار آگاه می شویم و می بینیم زن به عنوان موجودی مقدس در رأس مذهب و باورهای قلبی مردم قرار داشته است. اگر به موقعیت زنان، در آن روزگار نگاهی شود، مشاهده میشود که آنان

هم پای مردان به کشاورزی، سفال گری، ریسندگی و سایر فعالیت های اجتماعی می پرداختند و باز در کنار آن فرزندان را به آغوش گرفته و آنان را پرورش می دهند و سعی بر آن داشتند تا کانون زندگی را گرم بنمایند. هدف اصلی از ساخت نمادین و سمبلیک این پیکرک ها، بطور کلی اهدای آنان به معبد و جنبه نذری داشته است و نشان از اهمیت بالای عنصری به نام زن در جوامع باستان را نمایان می سازد. با توجه به مباحثی که بیان شد، به تمامی پرسش ها پاسخ داده شد و درستی فرضیات نیز مورد تایید قرار گرفت و بطور کلی این نتیجه حاصل گردید که زنان در سیاست و قدرت دارای مقام و منزلت بوده و توانایی سلطنت و حکومت بر جامعه را داشته، ایشان همچنین دارای قدرت اقتصادی و حسابرسی نیز بوده اند، حتی در مقام پرستش نیز جایگاه اول را داشتند. همه اینها نشان می دهد بر خلاف بسیاری از تفکرات که زن را موجودی منزوی می داند و تنها در خانه و پرورش فرزندان می پرداخته، در جامعه حضوری محکم و مستمر و دارای مقامی بسیار بالا و ارزشمند در ساختار سیاسی و اجتماعی حکومت، دارا بوده است.

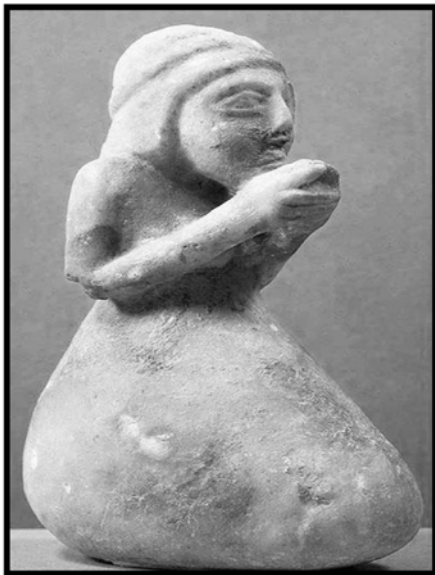
منابع

- پرادا، ایدات. هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجید زاده. (۱۳۵۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بروسیوس، ماریا. زنان در ایران باستان، ترجمه محمود طلوعی. (۱۳۸۹). انتشارات تهران، تهران.
- چایلد، گوردن. سیر تاریخ، ترجمه احمد بهمنش. (۱۳۴۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن (مشرق زمین گهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام. (۱۳۵۴). تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- فرشی، پریچهر. (۱۳۸۴). بررسی و مطالعه پیکرک های زنان در فلات ایران مرکزی ایران در عهد نوسنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- فیروزمندی شیریه جینی، بهمن. (۱۳۷۸). باستان شناسی و هنر آسیای صغیر، تهران: انتشارات سمت.
- صراف، محمد رحیم. (۱۳۸۴). مذهب قوم ایلام، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، مهناز. (۱۳۷۳). پوشاک زنان در دوره ایلامی و هخامنشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- کخ، هاید ماری. از زبان داریوش، مترجم پرویز رجبی. (۱۳۸۵). تهران: انتشارات کارنگ.
- گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین. (۱۳۴۹). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی کتیبه.
- مجید زاده، یوسف. (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجید زاده، یوسف. (۱۳۷۸). نخستین و دومین فصل حفريات باستان شناسی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ ۱۳۷۷_۱۳۷۸، سلسله گزارش های مقدماتی، شماره ۱، انتشارات میراث فرهنگی.
- هینس، والتر. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا. (۱۳۷۱). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Broman. V. (1990). "Figures and other Clay Objects from Sarab and Cayonu", Oriental institute Communications, No 25, the Oriental institute of the University of Chicago, Chicago.

- Delougaz, P, Kantor. H.J. (1996). "Choga Mish, The First Five Season of Excavation, 1969-1971, Part 2: Plates", The Oriental Institute of the University of the Chicago, Chicago.
- Dollfus. G. (1971). "Les Fouilles a Djaffarabad de 1969-1971, D.A.F.I, No 1.
- Eliade. M. (1986). "The Encyclopedia of Religion", Vol 1.6.11, New York.
- Hole. F. (1977). "The Excavation of Choga Sefid, Studies in the Archaeology History of the Deh-luran Plain", Memories of the Museum of Anthropology University of Michigan Number 9.
- Langsdorff. A, E. McCown. D. (1932). "Tall _ I _ Bakun A, University Of Chicago, Chicago,
- Masuda. S. (1972). "Excavation at Tappe Sang _ E Caxmag", Proceedings of the 1st annual symposium of Archaeological Research in Iran, Iran Bastan Museum.
- Mellaart. J. (1975). "The Neolithic of the Near East", London

تصاویر:



تصویر ۱) پیکره نیایشگر
شوش (فرشی، ۱۳۸۴: ۱۸۲) ◀



تصویر ۲) نقش برجسته ایلامی ◀